

گزارش سفر به کشور اسپانیا

سید محمد باقر حجتی

فعالیت‌های یهودیان در اسپانیا

با کمال تأسف، چندی است که یهودیان در این کشور تلاش زیادی را آغاز کرده‌اند تا چهره فرهنگ و تمدن آنجا را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهند. در این راستا فعالیت‌هایی چند آغاز شده و ادامه دارد که ما در اینجا نگاهی کوتاه به آن خواهیم داشت.

از فرهنگ سه گانه یهود، مسیحیت و اسلام، یهودیان - که اسپانیا را «سافاراد» می‌خوانند - با وجود اینکه از نظر نیروی انسانی در جهان حائز اقلیت چشمگیری هستند، بیش از دو فرهنگ دیگر در این مملکت فعالیت دارند.

در این باره با استفاده از یادداشتی که در سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید تدوین شده مطالبی را به طور فشرده یاد می‌کنیم:

سال ۱۹۹۲، اسپانیا شاهد مسابقات المپیک «بارسلون» و نیز جشن پانصدمین سال کشف قاره آمریکا خواهد بود و با توجه به اینکه نمایشگاه جهانی «سویا» در این کشور برپا می‌گردد و بناست در سال یاد شده وحدت اروپا محقق یابد، یهودیان - که سالهاست فعالیت‌های گسترده‌ای را در پیش گرفتند - هم اکنون دست به کار شده و سعی خواهند از چنین رویدادهای حساسی در زمینه‌های مذهبی و فرهنگی بهره برداری کنند. از آنجا که در نمایشگاه جهانی «سویا» «قهرآ» آثار هفت قرن حکومت فرهنگ و تمدن اسلامی در اسپانیا در معرض دید قرار خواهد گرفت، یهودیان تلاش می‌کنند با اجرای برنامه «سفاراد»^۱ این آثار را تحت الشعاع قرار دهند و یا بخشی از این فرهنگ و تمدن را به فرهنگ و تمدن یهود منسوب سازند.

یهودیان که همواره در طول تاریخ اسپانیا - چه در دوره

روز یکشنبه ششم آبان ۱۳۶۹ با حدود چهل دقیقه تأخیر در پرواز، در معیت آقایان عبدالله ناصری طاهری و دکتر صادق آینه‌وند، روانه مادرید شدیم. تقریباً پس از چند ساعت توقف در ترمینال فرودگاه لندن، به طرف مادرید حرکت کردیم و در اواخر ساعت همین روز به مادرید رسیدیم.

روز سه شنبه ۸ آبان به دیدار از کتابخانه شهر اسکوریال واقع در بیست و پنج مایلی مادرید، رفتیم. قبل از آنکه راجع به کتابخانه یاد شده و نیز کتابخانه‌های دیگر اسپانیا گفتگویی داشته باشیم، بجااست نگاهی گذرا به اوضاع فرهنگی این سرزمین بیندازیم.

اسپانیا دارای چهل میلیون جمعیت است؛ لکن علی‌رغم آنکه بخش عظیمی از این سرزمین قرنهای متمادی را - همراه با نفوذ اسلام در شئون مختلف زندگانی مردمش - پشت سر گذاشت و دانشمندان برجسته و ناموری امثال ابن رشد، ابن عبدریه و مجریطی‌ها (مادردی) و ابن مالک‌ها و دهها دانشمند قرطبی (کردوایی) و غرناطی (گرانادایی) و اشبیلی (سویلابی) یا سویایی) و طلبلی (تولدویی) و صدها و حتی هزارها دانشمند اسلامی از این دیار برخاستند و صدها هزار تن مسلمانان زیر سایه حکومت اسلام و قرآن در آن به سر می‌بردند، هم اکنون فقط ۲۵۰۰۰۰ مسلمان در این کشور اقامت دارند که اکثر قریب به تمام آنها مهاجر هستند. مسلمانان اسپانیا متشکل از چهارده تا پانزده گروه هستند و رسیت دارند و دولت اسپانیا نیز از کمک به آنها دریغ ندارد و علاوه بر این از آزادی هم برخوردارند.

گفتنی است که حدود سی خانوار شیعی نیز در این کشور

زندگی می‌کنند.

«ویزیگوتها» و چه در دوره حکومت اسلامی - اقلیتی را تشکیل می دادند، همواره تحت تأثیر فرهنگهای دیگر بوده و ناتوانتر از آن به نظر می رسیدند که فرهنگ خود را بر جامعه اسپانیا حاکم سازند، بنابراین در دوران حکومت اسلامی در این سرزمین، کمترین نقشی نداشتند. علاوه بر این تقریباً هیچ اثری از فرهنگ یهودیت در این سرزمین به چشم نمی خورد؛ در حالی که آثار فرهنگ و تمدن اسلامی در جای جای این سرزمین کاملاً چشمگیر است.

علی رغم تمام این واقعیتها، یهودیان می کوشند در این کشور فرهنگ خود را در موازات دو فرهنگ اسلامی و یهودیت قرار دهند.

باغ سه فرهنگ

راجع به آخرین اقدامات تبلیغاتی یهودیان می توان احداث فضای در پارک ملل مادرید را نام برد که این فضا به نام باغ و یا پارک سه فرهنگ (اسلام و مسیحیت و یهودیت) است و این فضای سبز برای تجدید خاطره سه فرهنگ یاد شده در سال ۱۹۹۲ میلادی طراحی شده است.

در طرح یاد شده فضای سبزی - که از رهگذر چهار کانال تقسیم می شود - تأسیس شده، و نخلها و گیاهان متنوعی که سمبل «واحه» یعنی وجود آبدی در میان بیابان و مبین تکتة مشترک سه فرهنگ می باشد در این فضا نظرها را به خود جلب می کند.

فضای سبز مربوط به فرهنگ اسلامی، در زاویه سمت راست قرار گرفته و «استانسیا دولاس دلیسیاس» (اقامتگاه زیباییها) نام دارد که ملهم از طرح و نقشه های قالبیهای ایرانی است و اشکال هندسی آن القاء کننده نظم دقیق می باشد. میان این فضای سبز، بنایی در مجاورت چشمه ساخته شده و گلهای سرخ و یاسمن و درختان سرو موجود در این محوطه، الهام بخش تأکید اسلام به باغ و باغبانی است.

فضای سبز مسیحیت در میان دو فضای مربوط به فرهنگ اسلام و یهودیان واقع شده و «کلاتوسترو دوکانتیکاس» نامیده می شود و یادآور طرح حیاط کلیساهای قرون وسطایی است. در وسط آن، معبد کوچکی بنا شده که از مینیاتورهای قرون وسطایی بازگو می کند.

فضای سبز یهودیت در زاویه سمت چپ پارک ملل واقع شده و «ورخل دوگرانادوس»، یعنی «بهشت انار» نامیده می شود که اشاره به یکی از بخشهای تورات، یعنی «سرود سرودها» است. در این محوطه درختان زیتون و رستنیهای حواشی رودخانه ها غرس شده است.

مذهب ستیزی

تصور می رود کشور اسپانیا از سالها قبل تحت تأثیر سیاست شیطنانی ابرقدرت غرب، ستیزی با مذهب را در این سرزمین آغاز کرده، و سیستم آموزشی عرضه شده به پارلمان این کشور در واقع به مفهوم رویاروی ساختن دولت با کلیسا و مقابله با آن است. زیرا در این سیستم، حذف ماده دینی و آداب و تربیت - که همان تعلیمات دینی است - پیش بینی شده و به جای آن دروسی امثال موسیقی و یا حضور در سالن سینما تدارک گردیده است. لذا رهبران مذهبی نگران گاسته شدن تعلیمات دینی در حد ۸۰ درصد می باشند. چرا که بر اساس سیستم یاد شده، دانش آموزان در انتخاب کلاس تعلیمات مذهبی و یا به جای آن استفاده از تفریح، مختارند.

اسقفها برای جبران این کمبود می کوشند درسی به عنوان «فرهنگ مذهبی» یا «تاریخ ادیان و مذاهب» را به صورت اجباری جایگزین سازند.

به هر حال بالاترین ستم و خیانت در سیستم آموزشی و فرهنگی بر مردم اسپانیا وارد شده و می شود. در مملکتی که پاسدار مذهب بوده و آثاری که برخاسته از روحیه مذهبی مردم این سرزمین می باشد نشان دهنده حضور خدا و دین در میان اهالی آن بوده است، هم اکنون فسادهایی - که هر انسانی را شرمند می سازد - به گونه ای اشمعزاز آور به چشم می خورد. فسادهایی که از بی اعتنائی به مذهب مایه می گیرد.

مذهب در اسپانیا تا همین چند سال پیش از موقعیت خاصی برخوردار بود و این سرزمین در سده های پانزدهم و

ابزاری برای نشر فرهنگ این مملکت باشد.

بودجه ای معادل شش میلیارد پزوتا را برای راه اندازی این مؤسسه در نظر گرفتند و نخستین مرکز آن در انگلستان فعالیت خود را از سر گرفته است.

اما هنوز آثار دوران حکومت اسلامی در زبان و تلفظ مردم اسپانیا مشهود است. استعمال واژه های عربی و مربوط به محصولات کشاورزی - البته با تغییرات اندکی که در تلفظ آن به گوش می رسد - تداول خود را حفظ کرده است؛ همان گونه که در فنون مربوط به کشاورزی و جز آن همین نکته جلب نظر می کند. لغاتی از قبیل القندیل و جره، به معنی پارچ و کوزه، و امثال آنها در زبان مردم اسپانیا وجود دارد.

اسپانیایی ها به قلعه، «الکلا» می گویند که همان «القلعه» است و یا «زعفران» را تقریباً به همین صورت به کار می برند. ظاهراً مسلمین این گیاه را برای مردم اندلس به ارمغان آوردند. همچنین لوبیا را به همین صورت تلفظ می کنند. و نیز در مقام تشویق دیگران می گویند: «هوله» که به نظر می رسد همان «الله» بوده که از دیر باز مردم مسلمان اندلس در مقام تشویق دیگران بر زبان می آوردند و با تغییراتی به «هوله» تبدیل شده است.

مخطوطات اسلامی در کتابخانه های اسپانیا

بزرگترین سرزمینی که در گذشته از لحاظ کثرت شمار نسخه های خطی شهرت داشت، کشور اسپانیا بود. بخش عمده ای از این کشور - به ویژه قسمت جنوب آن - پس از آنکه مسلمین آن را فتح کردند و حکومت نیرومندی را در آن تأسیس نمودند، «اندلس» نام داشت و به صورت مرکز علمی و پایگاه بزرگی برای علمای اسلام درآمد که به تألیف آثار بی شماری در موضوعات گوناگون توفیق یافتند. نسخه های خطی این آثار رویه فزونی نهاد و علاوه بر کتابخانه های شخصی کاخهای خلفا و امرا و وزرا و شخصیت های برجسته، کتابخانه مدارس و مساجد آن سرشار از کتاب گردید. همچنین باید کتابخانه های علما و ادبا و نویسندگان اسلامی اندلس را که سخت شیفته جمع آوری کتاب بودند، بر جمع کتابخانه های یاد شده افزود. سرانجام اندلس به صورت کانونی درخشان درآمد که شعاع خیره کننده فکر و اندیشه و علم و دانش

شانزدهم میلادی مهسد مسیحیت کاتولیک به شمار می رفت و آثار علاقه به مذهب - علی رغم شیوع مفاسد اخلاقی و اجتماعی در میان عده ای از مردم این کشور - در میان مردم این سرزمین از رهگذر روی آوردن آنها به کلیساها دیده می شد. اما سیستم آموزشی رنگ یافته از سیاست مزورانه حکومت های قوی، و پخش و نشر برنامه های منحرف در تلویزیون و مطبوعات، این مملکت را به سوی سرانسیب خطرناک سقوط اخلاقی همه گیر سوق می دهد و نفوذ مذهبی را تا حد صفر پایین می برد و توان و قدرت را قریباً و بسا در مدتی دراز از کلیسا سلب خواهد کرد.

اهتمام به نشر و ترویج زبان اسپانیولی

از چندی پیش دولت اسپانیا لایحه ای تحت عنوان تأسیس «انستیتیوی سروانتس» به پارلمان تسلیم کرد که سرانجام به تصویب رسید. هدف این قانون، تبدیل مراکز فرهنگی اسپانیا در کشورهای مختلف به «مؤسسه فرهنگی سروانتس» به منظور ترویج و اشاعه زبان فرهنگ اسپانیایی می باشد، و در نتیجه سی و پنج مرکز تدریس زبان اسپانیایی - که در کشورهای جهان بنیاد شده اند - تحت نظر يك سیاست گذاری دولتی قرار خواهند گرفت.

پس از جنگ های داخلی و نیز جنگ جهانی دوم، مهاجرت کارگران اسپانیایی به کشورهای اروپایی آغاز گشته، و از پی آن «خانه های فرهنگ اسپانیا» در کشورهای مذکور تأسیس شد که البته هدف آن ترویج فرهنگ اسپانیایی نبود؛ بلکه بدان منظور که اسپانیایی های مهاجر پناهگاه هایی برای تسکین آلام غربت خود داشته باشند و در فرهنگ کشورهای میزبان مستهلك نشوند. تنها در چند پایتخت اروپایی مؤسسات فرهنگی وجود داشتند که توانستند به کوشش های خود به طور خارق العاده ادامه دهند.

ابتکار ایجاد «مؤسسه فرهنگی سروانتس» باید به عنوان کوششی از سوی وزارت خارجه این کشور تلقی گردد که می تواند ضمن در اختیار نهادن فرهنگ وسیع اسپانیا - که آمیزه ای از فرهنگ های «کاتالان» و «کالیسیا» و «باسک» به حساب می آید -

آن، سرزمینهای دیگر اروپا را از تاریکی به درآورد و با همین پرتو خیره کننده خود فضای این بلاد را روشنایی می بخشید.

همه کتابهای کتابخانه های اندلس، مجموعه ای از نسخه های خطی نفیسی بودند و مانند سایر کتابخانه های ممالک دیگر از رهگذر جنگها، اختلافات، تعصبات و جهالتها آسیب دیدند و بسیاری از کتبی که سابقاً در این کتابخانه ها وجود داشت، از میان رفت و شمار ناچیزی از آنها باقی ماند که دانشمندان به تنظیم فهرست برای این باقیمانده ها پرداختند. ما راجع به کتابخانه هایی که از آنها بازدید به عمل آوردیم، پاره ای از این فهرستها را معرفی خواهیم کرد.

بازدید از کتابخانه اسکوریال

اسکوریال شهری است که در حدود بیست و پنج مایلی مادرید واقع شده است. کتابخانه مهم آن در محوطه گسترده و بسیار با شکوه قصر یا دیر اسکوریال قرار دارد.

کتابخانه «اسکوریال» مشتمل بر شصت هزار کتاب، اعم از چاپی و خطی، است و نسخه های خطی آن به دوازده هزار مجلد می رسد که به زبانهای عبری و یونانی و لاتینی و اسپانیولی و عربی است. سه مجلد از فهرست نسخه های خطی اسلامی آن که به طبع رسیده بود، در اختیار ما قرار گرفت که در آنها ترفیص قریب به دوهزار نسخه خطی آمده است.

در اینجا باید یادآور شد که اطلاعات مربوط به نسخه های خطی اسلامی کتابخانه اسکوریال مراحل مختلفی را پیموده و به همین چند مجلد فهرست یاد شده محدود نیست. لذا بجا می بینیم توضیح بیشتری درباره فهرست مخطوطات اسلامی کتابخانه مذکور یاد کنیم، و ضمناً از منابعی که اطلاعات وسیعتری را در مورد نسخه های خطی اسلامی این کتابخانه به دست می دهد، گزارش کنیم.

نخستین کسی که تهیه و تنظیم فهرست نسخه های خطی این کتابخانه را به عهده گرفت، میخائیل غزیری یکی از علمای مارونیة لبنان (م ۱۷۱۹ م) است که به خاطر انتسابش به یکی از آبدیهای لبنان یعنی «غزیر» او را میخائیل غزیری می نامند.

غزیری فهرستی به زبان لاتین برای مخطوطات کتابخانه اسکوریال در دو مجلد بزرگ تدوین کرده است که این

فهرست به نام «المکتبة العربیة الاسبانیة فی الاسکوریال» به زبان عربی ترجمه شده، لکن تاکنون ترجمه عربی آن به طبع نرسیده است. نسخه خطی این ترجمه به شماره ۶۷۷۲ در کتابخانه کاخ سلطنتی ریاط، پایتخت مراکش قرار دارد. و چون فهرست لاتینی نسخه های خطی اسلامی کتابخانه اسکوریال که بیش از دویست سال پیش در مادرید به طبع رسید، کمیاب بود به سال ۱۹۶۹ مجدداً در یکی از شهرهای آلمان تجدید چاپ شد.

به حال به ترق و مطالعه فهرست یاد شده روی آوریم که آنها را شخصی سالمند برای ما آورده بود و به نظر می رسید خازن کتابخانه بوده است.

مخزن کتابخانه، تقریباً فضایی دلگیر و اندوه زا و خفقان آور به نظر می آمد و انسان را تا دورانی نسبتاً دوردست در گذشته جا به جا می کرد. گویا بر گورستانی خاموش درآمدم و جثه های بی جان قفسه های سرکشیده تا سقف و آکنده از کتاب با ما از مردمی سخن می گفتند که نسلهایی چند جای خود را به نسل دیگر سپردند و ارواح آنان بر فضای این مخزن بال و پر گشوده اند.

خازن یاد شده که دریافت ما ایرانی هستیم دو نسخه از دیوانهای فارسی برای ما آورد: یکی از آنها خمسة نظامی و سبعة جامی در متن و هاشم - به صورت چلیپا - بود که آن را محمودین فیتنه (؟) احمد کاتب امرزی در ۹۴۹ قمری نگاشت. نسخه مزبور به خط نستعلیق نسبتاً خوش، مجذول و آراسته بود، و نام پدر مؤلف و لقب پایانی نسب او عجیب و نامانوس به نظر می رسید و همانند اسامی مسلمانان شرق، مألوف خاطر ما نبود.

دیگری نسخه ای از دیوان حافظ که آن نیز به خط نستعلیق در سال ۱۹۶۲ م تحریر شده بود. به جز نسخه هایی که کتابخانه آستان قدس سفارش تهیه میکروفیلم آنها را داده بود، درخواست کردیم نسخه هایی را برای ما بیاورند که آنها را نوبت به نوبت می آوردند و این کار بدون تشریفات و نوشتن درخواست صورت می گرفت و هر بار چندین نسخه را در اختیار ما قرار می دادند.

بوده و رساله های با ارزش دیگری را به پیوست داشت، به شماره ۷۰۷.

* مسامرة الندمان و موانسة الاخوان، از عمرین محمد رازی شافعی که در ۹۲۸ قمری نگارش شده، به شماره ۵۶۶.

و نسخه های دیگر که آنها را از روی فهرست درخواست کرده بودیم و گزارش آنها در این مجیزه موجب اطاله ای ممل خواهد بود.

در اواخر ساعات دیدار از این کتابخانه از قلت شمار کتابها، آن هم در کتابخانه ای که صیت شهرتش جهان را پر کرده است، پرسیدم. به ما پاسخ دادند اگر چه این کتابها از نظر کمیّت چندان جالب نیست و رقم بالایی را نشان نمی دهد؛ ولی کیفیت این کتابها بدانها رونق بخشیده و شهرت جهانی را برای آنها به ارمغان آورده است. و به راستی نیز از نظر احتواء بر نسخه های خطی نفیس اسلامی که اکثر آنها عربی است، کتابخانه ای بس سترگ و مهم و با ارزش می باشد.

موزه سلطنتی هنر

حدود ساعت ده و نیم همامداد روز پنجشنبه دهم آبان ۱۳۶۹ (نوامبر ۱۹۹۰) بدون راهنما و مترجم به موزه هنر در خیابان گران بیدار مادرید درآمدیم. موزه ای که دارای بنایی نسبتاً جدید بود. مردم به رایگان از آن دیدار می کردند و بدون تشریفات بر آن وارد می شدند.

ما در این موزه به سالن نمایشگاه سه قرن آثار اسلامی وارد شدیم که مربوط به سده ۹ تا ۱۱ میلادی بود، و تعداد قابل ملاحظه ای از صنایع دستی مسلمین اسپانیا در آن جلب نظر می کرد، و شمار قابل توجهی از این آثار به «تولدو» (طلیطله) تعلق داشت.

در این سالن سکه هایی در معرض دید قرار داشت که متعلق به دوران حکومت امویان در اندلس - که به عصر آلفونس می رسید - بود و با خطوطی کوفی و احیاناً شعائر اسلامی ضرب شده بود.

دهانه سنگی چاهی در میان این آثار نظرها را به خود جلب می کرد که بر سراسر رویه آن از بالا تا پایین نوشته هایی به خط کوفی با استفاده از روش کنده کاری نقش شده بود، و به علت مرور زمان فرسایشی روی نقوش برجسته این خطوط پدید آمد که

در میان این نسخه ها، نسخه ای که بیش از کتابهای دیگر نظرم را به خود جلب کرد و قطع آن غیر عادی می نمود، قرآنی بود به خط کوفی مسغری که در سال ۵۰۰ قمری بر روی پوست تحریر شده و اصل متن به خط مشکی، و علائم اعراب حرکات به شنگرف، و علامت سکون، و تشدید به لاجورد، و دارای قطع رقصی، لکن پهنا و درازای آن یکسان و به صورت مربع کامل بوده است. ما می دانیم که در قرنها چهارم و پنجم غالباً از کاغذ به جای پوست برای نگارش قرآن کریم استفاده می کردند؛ ولی این نسخه که در پایان قرن پنجم هجری و آن هم با چنان قطعی، و به ویژه بر روی پوست بسیار ظریف و به طور کامل از فاتحة الكتاب تا والناس نگارش شده بود، برای من عجیب می نمود. با اینکه نسخه های فراوانی از مصاحف کهن موجود در ممالک مختلف را از نزدیک رؤیت کردم، نظیر نسخه یاد شده را کمتر دیده بودم.

باری در اثناء رؤیت دو دیوان مذکور و مصحف یاد شده، رئیس کتابخانه اسکوریال که دارای کسوتی روحانی و قامتی کوتاه بود سر رسید. وی با برخوردی سرد و آمیخته با بی تفاوتی از کم و کیف کارمان جويا شد و در کنار ما درنگهای کوتاهی داشت، و اجمالاً اطلاعاتی محدود و مبهم از نسخه های خطی اسلامی در اختیار داشت، و تقاس و طرز برخورد عوامانه و سرد او فسرده گی به هم می رساند.

درعین حال علی رغم چنین برخوردی، سرگرم مطالعه و بررسی نسخه هایی شدیم که برای ما آورده بودند. اکثر قریب به تمام آنها نسخه هایی کهن و نفیس بود. یادداشت های لازم را در مورد نظم کتب و مؤلفان و شماره های راهنمای آنها را به منظور سفارش تهیه میکروفیلم ثبت و ضبط کردیم که به عنوان نمونه چند نسخه را توصیف می کنیم:

* لاکلیل: جلال عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱ ق) به شماره ۱۲۹۷ که در ۹۵۶ قمری؛ یعنی حدود چهل و پنج سال پس از وفات مؤلف تحریر شده بود.

* مجموعه نفیسی که نخستین رساله آن «مرآت المعانی»

بازخوانی آن را دشوار می ساخت. سایش ریسمانهایی که به وسیله آنها آب از چاه می کشیدند بر روی لبه های قسمتی از این دهانه سنگی فرو رفتگیهایی پدید آورده بود. روی هم رفته باید آن را اثر ظریف و هنرمندانه ای دانست که در سال ۱۰۳۲ میلادی در تولدو پدید آمد، و در کنار آن یادداشتی در توصیف آن نوشته شده بود.

اثر دیگری که دیدارکننده به محض ورود به این موزه با آن رویاروی می گشت، کتیبه ای سنگی بود که توانستیم علیرغم فرسایش نوشته های آن، در جای جایش کلمه «لاالله الاالله» را بخوانیم. این کتیبه که با کنده کاری خطوط برجسته کوفی بر روی آن رسم شده بود، مربوط به سال ۱۰۷۵ میلادی و متعلق به «تولدو» می باشد که در موزه پایتخت اسپانیا راه یافت.

آکادمی سلطنتی زبان

روز جمعه ۱۱ آبان به آکادمی سلطنتی زبان رفتیم که در خیابان فیلیپ چهارم قرار داشت، و خود آکادمی قبلاً در نقطه دیگر کار خود را از قرن هیجدهم میلادی آغاز کرده بود و در قرن نوزدهم در محل فعلی به کار خود ادامه داد. آکادمی مزبور به دستور فیلیپ پنجم تأسیس شد. ساختمان زیبا و نظیف آن از درون بسیار جالب و دل انگیز بوده، و سالن بحث و مذاکره آن نسبتاً وسیع و مشتمل بر نشیمنگاهی برای متخصصان برجسته است و بر فراز دیوار این نشیمنگاه، تصویر نقاشی شده «سروانتس» نصب شده است. یکی از کتابهایی که به ما ارائه شد، گرامر زبان عربی به زبان اسپانیولی بود که حدود ۱۵۰۰ میلادی به طبع رسیده بود.

به علت شتابی که به خاطر ضیق فرصت قهراً بدان دچار بودیم، تحقیق ما درباره این آکادمی بسیار ابر و ناقص بود؛ گرچه در آغاز این گزارش، راجع به اهتمام حکومت اسپانیا در نشر و ترویج زبان اسپانیولی با تأسیس «انستیتیوی سروانتس» در خصوص این گونه مراکز اشاراتی داشتیم. اما مایل بودیم مجال فزونتری در اختیارمان می بود تا در مورد این آکادمی اطلاعات بیشتری به دست می آوردیم.

دیدار از کتابخانه ملی در مادرید

دقایقی قبل از ساعت یازده بامداد روز دوشنبه چهاردهم آبان ۱۳۶۹ (۳ نوامبر ۱۹۹۰) بدون راهنما و مترجم وارد کتابخانه

ملی مادرید شدیم و علی رغم مشکلاتی که در مکالمات ما پیش می آمد، سرانجام منابع لازم را برای بررسی نسخه های خطی اسلامی این کتابخانه دریافت کردیم. اما به علت عدم آشنایی به زبان اسپانیولی نتوانستیم اطلاعات لازم را درباره این کتابخانه کسب کنیم.

خوشبختانه برادر بزرگوارمان آقای محمد طاهری مسزول خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مادرید روز دیگری به یاری ما آمد و سرانجام، بار دیگر نیز توانستیم از این کتابخانه دیداری داشته باشیم.

کتابخانه مذکور در ۱۸۹۱ میلادی بنا شده، و با وجود اینکه سالهای درازی از ساختن آن می گذرد همواره فضاهای تازه ای برای توسعه آن تأسیس و بنا می شود، و ما نیز شاهد و ناظر ابزار آلات سنگین ساختمانی برای توسعه آن بودیم.

این کتابخانه که دارای چهارمیلیون عنوان کتاب می باشد، بسیار عظیم و با شکوه به نظر می رسید، و راهنمایی که اوضاع این کتابخانه را برای ما گزارش می کرد اظهار می داشت که از هر يك از این تبتراها و عناوین چهارمیلیونی، حداقل سه مجلد کتاب در کتابخانه موجود است. راهنمای مذکور یادآور شد که اگر کتابهای این کتابخانه را کنار هم قرار دهند، طول آن به یکصدوسی کیلومتر خواهد رسید.

برای واردین و مطالعه کنندگان این کتابخانه نخست يك کارت صادر می شود که تا سه روز اعتبار دارد، و حداکثر مدتی که برای دریافت کتاب صرف می گردد، فقط پانزده دقیقه است. آوردن کتاب نه تنها از این حد فراتر نمی رفت، بلکه خیلی زودتر از آن به دست ما می رسید.

سالن مطالعه عمومی آن - که بسیار گسترده و نیز مرتفع می باشد - ششصد نفر مطالعه کننده عادی را به راحتی و بدون اینکه کمترین مزاحمت و اصطکاک را ایجاد کند در خود پذیراست. متخصصان - علاوه بر سالن مخصوص خودشان - می توانند از این سالن هم برای مطالعه استفاده کنند.

آمده، و «حسین یوردایدیر» آن را به ترکی، ولی به خط لاتین، تلویح فروده است.

دیدار با آقای مایگل کروس هرئاندس

استاد دانشگاه «آتونا» در مادرید

وی که هم اکنون هفتاد سال عمر را پشت سر نهاده و مردی ساده، بی پیسرایه و متواضع به نظر می‌رسید، برای دیدار ما به محل خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مادرید آمد، و جناب آقای محمد طاهری مسؤول خبرگزاری مذکور از ایشان دعوت به عمل آورد و زمینه این ملاقات و مصاحبه با این دانشمند سالمند ولی با نشاط و برنادر را فراهم آورد که در همین جا از مساعی این برادر عزیز تشکر می‌کنیم.

آقای هرئاندس استاد اندیشه‌ها یا فلسفه اسلامی در دانشگاه یاد شده است که با رجال علم و عرفان اسلامی و دیدگاه و افکار و فلسفه آنان در طول مدت مطالعات خود اجمالاً آشنایی به هم رسانده است.

وی اظهار می‌داشت تنها استادی است که در اروپا اندیشه‌های دانشمندان شیعی را در کنار افکار اندیشمندان اهل سنت به بررسی گرفته و بدانها ارجح می‌دهد.

تخصص و دکترای او در فلسفه این سیناست و تمامی رساله‌های این فیلسوف را دقیقاً به خاطر داشته و اظهار می‌کرد که آنها را مطالعه کرده و از رهگذر آنها بهره‌هایی اندوخته است.

چهل و هفت سال است که استاد یاد شده در گروه عربی (اسلامی) دانشکده فلسفه و ادبیات دانشگاه «آتونا» به کار تدریس و راهنمایی پایان‌نامه‌ها سرگرم می‌باشد و فردی است پرکار که نستوهانه به مطالعه و تحقیق مشغول است و لحظه‌ای بیکاری در زندگانی او راه ندارد. حتی پیش از آنکه به دیدار ما بیاید فرصت را غنیمت شمرده به یکی از کتابخانه‌های نزدیک خبرگزاری مذکور رفت و دقیقاً در رأس ساعت ملاقات به محل خبرگزاری آمد، و میان ظهر تا لحظه ملاقات را - چنانکه خود اظهار می‌داشت - به مطالعه در آن کتابخانه سرگرم بود، و نیز می‌گفت پنجاهمین سالی است که مرتب و بدون وقفه مطالعه می‌کند، و همان‌گونه که اشاره کردیم خود را تنها دانشمندی در اروپا می‌داند که در باره شیعه و افکار فلاسفه شیعه پس از

گذشته از کتاب، این کتابخانه دارای مجلات و موزیک و ویدئو و نقشه‌ها و کتابچه‌های راهنما و جز آنها می‌باشد، و کتابهای موجود در آن تنها به زبان اسپانیولی نیست؛ بلکه کتابهایی به زبانهای دیگر در آن وجود دارد.

بار اول که بر این کتابخانه وارد شدیم، فهرست نسخه‌های خطی اسلامی آن را درخواست کردیم که به آسانی در دسترس ما قرار گرفت.

نخست فهرست نسخه‌های خطی عربی فراهم آمده در «تطوان» برای حکومت اسپانیا را برای ما آوردند که آن را «لافوانتدای الکانتارا» نگاشته بود.

فهرست مذکور به سال ۱۸۶۲ میلادی در مادرید به طبع رسیده و در پایان آن، اسامی کتب عربی به ترتیب حروف تهجی به زبان عربی در هشت صفحه آمده است.

اما چون می‌دانستیم این فهرست از صحت و وثاقت کافی برخوردار نیست، فهرست دیگری را درخواست کردیم که آن را گیلن روبلس (Guillen Robles) تحت عنوان فهرست نسخه‌های خطی عربی موجود در کتابخانه ملی مادرید تدوین کرده است. فهرست مزبور به سال ۱۸۹۸ میلادی در مادرید در ۳۳۴ + ۱۱ صفحه به طبع رسیده است.

برای بررسی نسخه‌های خطی کتابخانه مذکور، فهرست اخیر را به مطالعه گرفتیم که گیلن روبلس در آن، ۶۰۶ نسخه خطی را وصف کرده بود، و احیاناً نسخه‌های نفیسی در آن جلب نظر می‌کرد که آنها را طی دوبار دیدار بسیار کوتاه و مراجعه‌ای که به این کتابخانه داشتیم با ذکر شماره راهنما یادداشت کردیم. علاوه بر دو فهرست یاد شده که آنها را به مطالعه گرفتیم و توصیف شمار زیادی از نسخه‌های خطی عربی در آنها دیده می‌شود، فهرست دیگری برای ما آوردند که تحت عنوان «فهرست کتابهای خطی ترکی و فارسی کتابخانه ملی مادرید» تدوین شده بود. در این فهرست که مجموعاً به ۴۵ صفحه بالغ می‌شد - علاوه بر معرفی نسخه‌های خطی ترکی، توصیف یازده نسخه خطی فارسی

پروفسور کرین کار کرده است .

استاد هرناندس قصیده «عینیه» ابن سینا را به زبان اسپانیولی ترجمه کرده که در يك طرف، خود قصیده عینیه، و در طرف دیگر ترجمه اسپانیولی آن را به طبع رسانیده است.

این استاد به زبان عربی در حد خواندن و مطالعه آشنایی داشت و اگر چه صحبت عربی را می فهمید لکن گفتگو کردن با این زبان برای وی دشوار می نمود.

از ایشان راجع به «تهافت الفلاسفة» غزالی و «تهافت التهافت» ابن رشد سؤال شد که آیا اعتراضات ابن رشد بر غزالی به نظر شما درست بوده، و آیا درباره غزالی مطالعاتی دارد؟ پاسخ داد راجع به غزالی مقاله ای دارد و این مقاله را که ضمن مجموعه مقالاتی به طبع رسیده بود به ما ارائه داد و یادآور شد که ابن رشد، فلسفه ارسطو را درست می فهمید؛ یعنی به طور ضمنی یادآور شد که حق با ابن رشد بوده است، چرا که او تمایز میان فلسفه و الهیات را درک می کرد.

راجع به «رسائل اخوان الصفاء» سؤال کردیم. یادآور شد رسائل مذکور تا قرن بیستم در اروپا چندان شهرتی نداشت و از این قرن به این سو با این رسائل و افکار نویسندگان آن آشنایی به هم رساندند. لکن یادآور می شویم این اظهار نظر استاد چندان مقرون بد صحت نبوده و جای تأمل است.

وی می گفت: فلسفه کندی، فارابی، ابن باجه، ابن طفیل و ابن خلدون در اروپا رواج و انتشار فزونتری داشته و دارند، و بیش از همه و پیش از هر فلسفه، ابن سینا و ابن رشد در اروپا راه یافتند.

استاد افزود: سهروردی و ملاصدرا از ۱۹۷۰ م در اروپا شناخته شدند و تحقیقاتی درباره افکار و فلسفه آنها انجام می گرفت، و خود استاد مقاله ای راجع به سهروردی و فلسفه اشراق او نوشت که آن را به نگارنده اهداء کرد.

او می گفت: اولین کتاب فلسفه اسلامی که به غرب راه یافت

شقای ابن سینا است ؟!

طبق اظهارات استاد، در سراسر اسپانیا دوازده دیارتمان عربی [اسلامی] در مجموع دانشگاههای آن وجود دارد. و سه مرکز شرق شناسی وابسته به مرکز اصلی در شهرهای مادرید و بارسلون و گرانادا مشغول فعالیت است. و دو واحد تحقیق راجع به قرآن در

بارسلون و مادرید کار می کند و پروفسور «برنه» قرآن کریم را به زبان اسپانیولی ترجمه کرده که هم اکنون در پاریس «انستیتیوی دنیای عرب» مشغول به کار است. دانشمندی دیگر از اسپانیا به نام «خولیو کورتس» قرآن را بهتر و صحیحتر از «برنه» به زبان اسپانیولی برگردانده که او نیز هم اکنون در امریکا به سر می برد، و تا کنون برای سومین بار منتشر گردیده است.

تدریس تاریخ اسلام در دانشگاه «آاتوناما» در عهده خانم «الیسا مولینا» است.

وی می گفت: ناشرانی در اسپانیا کتابهایی به زبان عربی چاپ می کنند و آنها را به کشورهای مغرب اسلام از قبیل مراکش و تونس و الجزایر و لیبی می فرستند.

نشست ما با پروفسور مذکور گرم شده بود و او با صمیمیت و حرارت به سؤالهای ما پاسخ می داد؛ لکن وقت و فرصت جلسه ما آن چنان محدود بود که بسیاری از سؤالاتی که ما در خاطر داشتیم ناگفته می ماند. لذا در واپسین لحظات که بیش از دقایقی چند باقی نمانده بود نظر او را درباره حضرت امام و انقلاب اسلامی ایران سؤال کردیم، نخست بدین مضمون پاسخ داد:

بنیادگرایی از نظر من - با توجه به جوانب انقلاب اسلامی - دارای مفهوم نکوهیده ای نیست تا بتوان آن را دستاویزی برای تحقیر آن قرار داد؛ بلکه بنیادگرایی در ایران بدین مفهوم است که مردم ایران در سایه انقلاب بر اساسها و مبانی استواری در جنبشهای خود متکی هستند و دارای پایگاه محکمی می باشند، و باید طرز تفکر و تحرك آنها را بر آن مبتنی دانست. و ضمناً اشاره کرد که قسمتی از نامه حضرت امام - قَدْسَ اللّهُ سِرّه - به گورباچف را به زبان اسپانیولی ترجمه و منتشر کرده است.

این استاد تاکنون در چند کنفرانس اسلامی شرکت کرده و با دکتر عبدالرحمن بدوی (دانشمند و محقق معروف مصری) دوست و رفیق، و هر از چندی در ارتباط است، و چند ماه قبل در یکی از کنگره های اسلامی در مراکش شرکت نمود، و میان چهارصدتن شرکت کنندگان این کنگره تنها فرد مسیحی بود که او را به مسجد

جایگزین چنین دانشمندی پرکار و دلدادۀ تحقیق در فلسفۀ اسلامی و به خصوص فلسفۀ اشراق باشد، و مدتی در مادرید رحل اقامت افکنده و بار سنگین این استاد پیر را به دوش کشد. با دوستان همراه و همسفر به مشورت نشستیم؛ افرادی به ذهنمان خطور کرد که چندتن از آنها درخور آن می باشند که خلف صالح و شایسته ای برای ادامۀ تحقیق در فلسفۀ اسلامی در این دیار باشند. و اگر میل و علاقه ای در آنان به هم رسد که زندگانی در دیار غربت را برای تداوم کوششهای این استاد بر خود هموار سازند، یقیناً بسیار سزا و درخور رضای الهی است.

سفر به تولدو (طلیطله) برای بسازدید نسخه های خطی کتابخانه های آن

روز سه شنبه پانزدهم آبان ۱۳۶۹ (۶ نوامبر ۱۹۹۰) حدود ساعت ۹ بامداد در معیت فاضل گرامی جناب آقای «بنده مقدم» از مادرید به سوی تولدو به راه افتادیم. فاصله این شهر با مادرید چندان زیاد نبود و شاید به حدود هفتاد کیلومتر می رسد. باید یادآور شد اسلام نخستین بار به «تولدو» راه یافت و مدتی که مسلمین در آن به سر می بردند چندان دیر نپایید؛ لکن اسلام از همین شهر به جنوب اسپانیا حرکت خود را آغاز کرده و ادامه داد.

باری، به شهر تولدو رسیدیم و قبلاً در ایران دو کتاب فهرست از نسخه های خطی موجود در این شهر را شناسایی کرده بودیم؛ و لذا از پی کتابخانه های مربوط به آنها می کاویدیم و بر این تصور بودیم که فرصت کافی برای بررسی نسخه های خطی در اختیار داریم. دو فهرست یاد شده یکی مربوط به منخطوطات موجود در کاتدرال مذکور، و دیگری مربوط به کلکسیون و مجموعه Borbon Lorenzana بود.

ملاقات با چندتن از اعضاء «المعهد الغربی للثقافة الاسلامیة»

روز چهارشنبه شانزدهم آبان ۱۳۶۹ (هفتم نوامبر ۱۹۹۰) دقایقی پیش از ساعت ۱۲ بامداد برای دیدار با چندتن از اعضاء این مؤسسه یا انجمن غربی تحقیقات در فرهنگ اسلامی در معیت برادر

راه دادند، و به قول خودش به هر مسجدی که در می آمد فاتحه [یعنی غازی] می خواند، و بر خود می بالید که به او طی کنگره ها رخصت می دادند بر مسجدها درآید. چون مسیحیان را اجازه نیست بر مسجدها وارد شوند.

او سفری به ایران داشته و حکمتانه (همدان) را دیدار کرده و خوشحال بود که به مقصود اصلی خود (یعنی دیدار از مقبره ابن سینا) در این شهر رسیده و توانسته است مزار شخصیتی را - که قسمت مهمی از فرصتش را صرف مطالعه فلسفۀ او کرده است - زیارت کند.

خود می گفت توفیق زیارت کربلا و نجف برای او در سال جاری فراهم آمد، و خوشحال بود که قبل از واقعه کویت به موطنش بازگشته بود، و گرنه برای او در دسری فراهم می آمد!

به جمهوری اسلامی ایران اظهار علاقه می کرد و با اینکه مسیحی است سخت متأسف بود که به مشهد رضوی ترفته و توفیق زیارت امام رضا - علیه السلام - برای او فراهم نیامده است.

فرصت و مجال نشست ما با این استاد به پایانش نزدیک می شد که نگارنده دو اثر از آثار خود را (که یکی به زبان عربی، به نام «ابن عباس و مکانته فی التفسیر» و دیگری به نام «سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو») به او اهدا کردم، و او نیز يك مقاله و يك کتاب را به این جانب هدیه کرد.

آقای کروس هرناندس با وجود اینکه هفتاد سال عمر را سپری ساخته نسبتاً شاداب و سرحال به نظر می رسید و نسبت به پاسخها حاضرالذهن بود. در پایان پرسیدیم: پس از حدود پنجاه سال کار مداوم آیا وقت آن نرسیده بازنشسته شده و از کار و فعالیت خود بکاهید؟ پاسخ داد اگر برای خود جانشینی در دیپارکان عربی (اسلامی) دانشکده «آتوناما» - برای کار و مطالعات و راهنمایی رساله ها و تدریسی که به عهده دارم - می یافتم، ترجیح می دادم بازنشسته شده و به کار و کوششی متناسب با حال و سنم بپردازم؛ لکن تا کتون کسی را برای این کار پیدا نکردم.

پیش خود فکر می کردیم چه کسی در ایران می تواند

عزیزمان جناب آقای محمد طاهری به محل این مؤسسه واقع در مادرید رفتیم. مؤسسه ای که بودجه آن را بیست و پنج تن از علاقه مندان به فرهنگ اسلامی - که خود اعضاء این مؤسسه و محققان فرهنگ اسلامی به شمارند - به عهده دارند و در تحقیقات و مطالعات و فعالیتهای روزمره عادی خود از سوی دولت به آنها کمک نمی شود و خود کفا هستند.

ریاست این مؤسسه به عهده شریف جاه عبدالرحمن قرار داد و مدیر کل آن آقای Jose Manuel Munoz Sanchez است. پرسیدیم انگیزه آنها در تأسیس این مؤسسه و کوشش در آن چیست؟ پاسخ دادند: صرفاً انگیزه ما فرهنگی است؛ چرا که بخش عظیمی از مملکت ما دارای چندین قرن سابقه اسلامی است که فرهنگ اسلام در زوایا و شؤون مختلف زندگانی نیاکان ما راه یافته بود.

این مؤسسه علاوه بر تشکیل کنفرانسها نشریاتی دارد و قرار بر آن گذاشتیم که توصیه نماییم در پاره ای از کنفرانسهایی که در ایران منعقد می گردد، دعوتی از چندتن از آنها به عمل آید.

بازدید از کتابخانه «خونتا»

صبح روز چهارشنبه شانزدهم آبان ۱۳۶۹ (۵ نوامبر ۱۹۹۰) - آخرین روز اقامت ما در مادرید، زیر بارش شدید باران همراه آقای عبدالرشید، روانه کتابخانه «خونتا» شدیم که پس از مدتی سرگردانی برای یافتن آن، بر کتابخانه ای در آمدم که به سال ۱۹۴۰ تأسیس شده بود. این کتابخانه مجروحاً «دارای چهارصد هزار کتاب می باشد که قبلاً کتابخانه ای شخصی بود، و آقای محمد طاهری - حفظ الله تعالی - نیز این بار به خاطر اینکه می باید دیداری از «المعهد الغربی للثقافة الاسلامیة» داشته باشیم از همراهی با ما در این کتابخانه دریغ نفرمود. قبلاً با وجود محدودیت وقت و فرصت از یکی از متصدیان کتابخانه فهرست زیر را که دو تن آن را تدوین کردند خواستیم:

Ribra (J.), Asin (M.)
Manuscritos arabes Y aljamiados de la Biblioteca de la junta
(Madrid, 1912, xxx+ 18 Pl)

این دو تن در این فهرست، شصت و دونسخه خطی عربی را توصیف کردند که به دنبال آن، توصیف برگهایی نفیس و کهنی که

کتابهایی به وسیله آنها تجلید شده آمده است.

باری با وجود ضیق مجال - چون وعده کردیم با اعضاء «المعهد الغربی للثقافة الاسلامیة» دیداری داشته باشیم - وقتی فهرست یاد شده را در اختیار ما قرار دادند نتوانستیم درنگ کافی در مطالعه آن معمول داریم، مع الوصف نسخه های نسبتاً با ارزشی را از رهگذر این فهرست در کتابخانه مذکور سراغ کردیم که نمونه هایی از آن به شرحی است که از این پس ملاحظه می کنید.

* عقد الجواهر الشمیة فی مذهب عالم المدنیة. از ابومحمد عبدالله بن نجم شاس، در فقه که آن را یوسف بن ابراهیم سیریلی در روز پنجشنبه ۲۸ جمادی الاولی ۸۵۴ قمری تحریر کرده است. شماره ۲. (ص ۳ فهرست).

* المقصد المحمود فی تلخیص العقود. از ابوالحسن علی بن یحیی، در فقه. به شماره ۵ (ص ۱۷ فهرست).

* تنبیه الغافلین. از محمد بن ابراهیم سمرقندی. (ص ۳۵ فهرست)

* السفر السابع من کتاب الاستذکار لمذهب علماء الامصار. از ابو عمرو یوسف بن عبدالله بن عبدالبر نمری. در فقه.

* منظومة الدرر فی شرح کتاب المختصر. از ابو عبدالله محمد بن محمد الفخار الجذامی در فقه. شماره ۱۴. (ص ۷۷ فهرست).

* تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی. از ابومحمد عبدالله علی بن اسحاق صیمری. شماره ۱۵. (ص ۸۱ فهرست).
و نسخه هایی دیگر...

از آنجا که وقت ما به پایان رسیده بود، این کتابخانه را ترک گفتیم.

گزارش را با سپاسگزاری از جناب آقای ذیفن سفیر محترم و آقای بنده مقدم که در تمام مدت اقامت ما در اسپانیا از هیچ کوششی دریغ نروریدند، به پایان می بریم.

۱. سفاراد با سافاراد در زبان عبری به معنی اسپانیا و ارتباط آن با سال ۱۹۹۲ از آن روست که این سال بهانگر پانصدمین سال اخراج یهودیان از اسپانیا می باشد. یهودیان حتی تولدو (طلبظه) را به عنوان اورشلیم اسپانیا یاد می کنند.